وماشين الات كه به شكل پيشرفته بوجود آمده محض براي تداوي مرض نبوده بلكه تاحد امكان جهت محافظت حيات ميباشد .

با مرور تاريخچه طبابت طی صد سال اخير نظريات متعددي كه در جامعه نظر به جنس و عمر ارائه گرديده و تغييراتی كه در صحت و شكل مرض بوجود آمده سبب گرديدد كه در اثر توسعه تكنالوژي طبی پيشرفتهاي در امور تخصصی نيز بوجود بيايد، بعضی از شعبات تخصصی نظر به مهارت هاي دقيق شان مثل جراحی ، راديولوژي، انستيزي، و شعبات مشخص عضويت انسانی مانند گوش ، گلو و بينیE.N.T نسائی وولادي Gynecology چشم Ophtalmology قلب Cardiology و شعبات تخصصی عمر وجنس مثل اطفال، Geriatric و ولادي به پيشرفتهاي مزيدي نايل امده اند كه در چنين حال سبب نشو و نما نيز گرديده است بطور مثال ميتوان از Pediatric Neurology, Pediatric Cardiology, Perinatology, Neonatology, Pediatrics Surgery و Pediatrics نام برد كه تمام شان در امراض اطفال شامل اند .

جاي تعجب اينست كه گاهی ضرورت به Micro Specialization نيز می آفتد، بايد گفت كه تخصص هيچ نوع شك را در قسمت توجه طبی بوجود نياورده بلكه ارزش مواظبت طب رابلند برده و مواظبت صحی متخصص را مافوق يك شهري متوسط قرار داده است ميدهد ، تخصص باعث كمك به General Practice شده و از

تجرید General Practice در محیط وظایف سیستم خدمات طبی مانع میگردد .

طب وقایوي

طب وقایوي بشکل شاخه مجزا از صحت عامه انکشاف یافته است . طب وقایوي به اشخاص صحتمندو سالم نسبت داده شده که باید اکثریت مردم خود را درین قطار قرار دهند و هدف اساسی آن جلوگیري از مرض و ارتقاي صحت میباشد ، پیروزي طب وقایوي در ساحه هاي واکسین هاي مکروبی و Antisera میباشد که با گذشت هر قرن سبب پیروزي هرچه بیشتر بالاي اکثر امراض شده و خود به خود باعث نزول و کمی در Morbidity , Mortality در امراض مثل دیفتري ، تیتانوس و تب محرقه گردیده .

ویروس هاي کلچر شده انساج سبب بوجود آمدن واکسین ضد ویروس میگردد ، بطور مثال کشف واکسین پولیو Polio بین سالهاي ۱۹۵۵ الی ۱۹۶۰ امحاي چیچك که واقعه نهائی آن در سو مالیا در سال ۱۹۷۷ به نظر رسیدکه یکی از پیروزي هاي بزرگ طب وقایوي در سالهاي اخیر میباشد ، جستجو براي واکسین هاي بهتر و جدید تر مثل (ضد ملاریا، جزام ، سفلیس ودیگر امراض پرازیتی و حتی مرض سرطان) ادامه دارد ، طب وقایوي خود را تنها به قرنطین وواکسین محدود نه ساخته بلکه ، اکتشافات در ساحه تغذي یك

وسعت جدید را به طب وقایوي اضافه نموده ستراتیژي هاي جدید به مبارزه علیه کمبودي هاي مخصوص توسعه یافته مثل کوري که از اثر کمی مواد غذائی بوجود می آید و تشوشات کمبود ایودین ، شناختن رول ویتامین ها و مواد معدنی ، پروتین ها ودیگر مواد غذائی و زیاده تر الیاف رژیمی جدید تائید به ترکیب تغذي طب وقایوي کمك میکند ، یك فصل درخشان دیگر در تاریخچه طب وقایوي عبارت از کشف مصنوعی ادویه جات حشره کش مثل Malathion, HCH, DDT و غیره میباشد ، که آنها تغیرات اساسی را در ستراتیژي کنترول امراض ناقل بوجود آورده (مثلاً ملاریا ، لشمانیا ، پلیگ ، امراض ریکتسیائی) که از جمله مشکلات مهم صحی جهان در سالهاي سال بود .

با وجود مقاومت در مقابل ادویه حشره کش و ناگوار بودن ملوثات محیطی (مثلاً تراژیدي Bhopal در هندوستان درسال ١٩٨٤) و بعضی از مواد کیمیاوي حشره کش مثل DDT تا هنوز قابل مبارزه در کنترول مرض نیست .

نوت : Bhopal یکی از شهر هاي هندوستان میباشد که در آن تراژیدي گاز سمعی به وقوع پیوسته بود .

کشف ادویه جات خاندان Sulfa ، ضد ملاریا ، انتی بیوتیك ، ضد TB و ضد جزام سبب پیشرفت طب وقایوي گردیده است وقایه توسط خاندان سلفاChemoprophylaxis و ادویه کتلوي از اساسات

مهم طب وقايوي ميباشد ، چنانچه در كشور هاي پيشرفته با كنترول امراض انتانی و تداوي ووقايه قبل از مرض تغيير خورده سبب كمی مرگ و مير گرديده است .

بابوجود آمدن مفكوره جديد تحت عنوان مفكوره ازامحاي مرض چيچك بكار گرفتند امراض معين ديگری مثل (سرخكان ، تيتانوس ، كرم هاي Giunea و جاغور انديميك) را درمحضر تطبيق قرار دادند يكی از انكشافات قابل ملاحظه در قرن ۲۰ توسعه Screening است كه براي تشخيص مرض قبل از بوجودامدن اعراض مرض بكار ميرود .

درسال ۱۹۲۰ دو آزمايش عمده كه آزمايش سيرولوژيك خون براي سفليس و Chest X-Ray براي توبركلوز (T.B) بود ، تعداد Screening Tests را افزايش داد ، مفهوم Screening براي امراض انفرادي بيك صفحه اي چندين مرحله اي در سال ۱۹۵۰ تبديل شد ، باوجود حقايق كه استعمال Screening بشكل بيشتر آن در سالهاي اخير مورد بحث قرار گرفته است Screening براي امراض در بين مردم صحت مند يك قسمت مهم طب وقايوي را تشكيل ميدهد .

Screeining عبارت از پيدا نمودن عامل خطر مرض و پيدا نمودن گروپ هاي خطر بلند آن ميباشد ، از انجائيكه ما وسايل مخصوص در مقابل امراض مزمن نداريم معاينات Screening اجراات منظم رول عمده را در كشف سرطان، مرض شكر، روماتيزم ، امراض

قلبی وعائی که بنام امراض مدنی یاد میشود بازي نموده ، طب وقایوي فعلاً با تزاید نفوس مواجه است درکشور هاي در حال رشد که تزاید نفوس سبب مشکلات اجتماعی ، اقتصادي ، سیاسی و محیطی میگردد ، طب وقایوي نوع دیگر وقایه است ، وقایه هائیکه ضرورت به عملیات (دسته جمعی) دارد ، اگر مفادطب وقایوي در نسل حاضر و نسل هاي آینده فراهم گردد در نتیجه تحقیقات علمی در قابلیت بوجود آوردن اولاد در انسان یا Fertility وفن ادویه ضد حمل Contraceptive Technology شروع شده ، مشوره هاي ارثی یك منظره دیگري از مسائل نفوس است که باید به آن توجه گردد .

طب وقایوي یك نقطه در حال نشونماي طبابت میباشد ، پیشرفت ها در ساحه تداوي به هیچ طریقی نمیتواند تا ضرورت طب وقایوي را کاهش دهد و نه سودمند بودن آن تدابیر وقایوي همیشه در حال تطبیق است و آن هم تنها براي امراض مزمن ، امراض استحالوي و امراض ارثی بلکه براي مسائل مخصوص کلان سالان ، در حقیقت به هر اندازه اي که علم طب انکشاف میابد سبب هر چه بیشتر و بهتر شدن پرکتس طب وقایوي در طبعیت خواهد شد ، واقعات عاجل وقایوي اطفال ، بزرگ سالان ، وقایه امراض قلبی تهدیدات جدید را در دور نماي طب وقایوي بوجود می اورد ، باانکشافات علمی و ارتقاي سطح زندگی وتعلیم و تربیه درست مردم

راه جدید براي وقایه باز گردانیده که فعلاً سه سویه وقایوي شناخته شده عبارت انداز:

۱ـ وقایه امراض در اشخاص سالم .

۲ـ در اشخاصیکه مرض شان در حال نشونما میباشد .

۳ـ براي کم کردن شیوع مزمن معیوبین که سبب مرض براي شان میگردد .

طب وقایوي در عقب ساحه طبابت قرار داشته و علاوه بر امراض ساري به وقایه محیطی ، اجتماعی و اقتصادي نیزارتباط میگرد.

طب وقایوي جدید را میتوان چنین تعریف نمود :

طب وقایوي عصري عبارت از صنعت و سیانس ، ارتقا صحت ، ووقایه امراض ، تحدید امراض و علامت آن و اجناس مجدد میباشد و ارتباط زیاتر را بین افراد و موظفین صحی و صحت عامه تامین مینماید ، در مجموع طب وقایوي نوع از طبابت جلوگیري کننده امراض میباشد .

طب اجتماعی

طب اجتماعی یك تخصص ابتدائی میباشد ، اساس علم طب اجتماعی در اخیر قرن ۱۹ بواسطه پیش قدمانی چون Neumann درسال ۱۸٤۷ و Virchow در سال ۱۸٤۸ گذاشته شد. منکوره طب اجتماعی که از سالها قبل موجود بود ، نظریه مکروب مرض و اکتشافات مکرر

بیولوژیکی و انکشاف این مفکوره ها را نشان داد درسال ۱۹۱۱ مفکوره طب اجتماعی دوباره بواسطه Alfred Grotjahn اهل برلین (۱۸۶۹_ ۱۹۲۱) در فکتور هاي مهم اجتماعی امراض فشار آورد و اثبات کرد که همین فکتور ها سبب مرض میگردد ، موصوف این نظر خود را بنام پتالوژي اجتماعی یاد کرد ، سایر دانشمندان آنرا بنامهاي پتالوژي جغرافیائی و پتالوژي نفوس یاد کرده اند ، درسال ۱۹۱۲ Rene Sand تهداب سازمان طب اجتماعی بلجیم را گذاشت ، انکشافات درساحه علم اجتماعی مثل (Antropology, Psychology Sociology) دوباره پیشرفت نمود این کشفیات ثابت نمود که انسان تنها یك حیوان حیه نیست بلکه یك موجود اجتماعی میباشد و مرض هم اسباب اجتماعی ، نتایج اجتماعی و تداوي اجتماعی دارد.

اینطریق مفکوره هاي طب اجتماعی سایر به کشورها پخش کردید.

John Ryle و گروپ او در انگلستان بواسطه این مفکوره ها تحت تاثیر قرار گرفتند وطب اجتماعی را مثل یك طب ارتقائی دیدند ، آنها مفکوره طب اجتماعی را در انگلستان پیشرفت دادند و یك چوکی طب اجتماعی در سال ۱۹٤۲ درپوهنتون Oxford بوجود آمد که به تعقیب آن در سایر پوهنتون هاي انگلستان عین روش صورت گرفته تعقیب می شد ، طب اجتماعی داراي معنی هاي مختلف میباشد ، طب اجتماعی عبارت از مطالعه یك انسان به شکل یك موجود اجتماعی در محیط اش بوده و هدف آن صحت در تمام جامعه میباشد ، پروفیسر

Crew اظهار نموده که طب اجتماعی بالاي دوستون قرار دارد که یکی آن طب ودیگر آن Sociology است ، عده دیگر میگویند که از ازدواج سوسیالوژي و صحت عامه طب اجتماعی بوجود آمده است. Mckeown میگوید (در عصر حاضر طب اجتماعی دو معنی دارد یکی وسیع بوده و لی خوب تعریف نه شده و دیگري خیلی محدود است ولی مکمل میباشد) روي همرفته طب اجتماعی اصطلاحی از روایات انسانیت در طب میباشد که مردم آنرا مطالعه کرده و تغییرات متعدد نظر به دلچسپی و ارزو هاي خود در آن نشان میدهند که معنی مواظبت از مریضان ، جلوگیري از مرض ، خدمات صحی براي هر شخص ولوبه هر قیمت درباره صحت وبهبودي اش باشد میباشد . به عباره دیگرطب اجتماعی علمیست که در وجود Epidemiology و جامعه که در آن مواظبت طبی و ضروریات طبی مطالعه میشود نهفته میباشد . خلاصه طب اجتماعی شاخه جدید طبابت نبوده بلکه علمیست که نظر به ضرورت انسان و جامعه بوجود آمده قرابت بین طب وساینس اجتماعی را تاکید میکند، ارتباط برجسته طب اجتماعی عبارت از نشوونماي میتود هاي اپیدیمیولوژیکی و قابلیت تطبیق نمودن و تحقیق کردن امراض میباشد به یك مرحله قابل بار آوري داخل شده وقرابت با ساینس اجتماعی را حاصل نموده تا بتواند عوامل اجتماعی را در اسباب مرض اشکار سازد ، این انکشافات نمایندگی از توسعه و فهم طب مینماید، از آنجائیکه طب اجتماعی تنها

در جهت مطالعات اکادمیك خدمات صحی و امراض مزمن محدود مانده و از سایرخدمات جهانی فاصله گرفته|زانروهمیش مورد انتقاد قرار دارد .

تغییرات مفاهیم ها در صحت عامه

در تاریخ صحت عامه چهار مرحله واضح شناخته میشود .

الف مرحله کنترول مرض (۱۸۸۰ـ ۱۹۲۰)

صحت عامه درقرن ۱۹ بنام قانون صحی ، قانون حفظ الصحه وریئورم حفظ الصحه تعریف شد که هدف آن کنترول محیط فزیکی انسان میباشد بصورت مثال تهیه آب ، جابجا کردن فضله جات و کثافات وغیره که واضحا این تدابیر دارای اهداف کنترول یك مرض مخصوص نبوده ، و ضمنا جهت ضرورت تخنیك علوم بکار رفته ولی با آنهم این تدابیر به شکل وسیع صحت مردم را به مقابل امراض بهتر ساخت و مرگ های غیر طبیعی را کنترول نمود .

ب : مرحله ارتقائی صحت (۱۹۲۰ـ ۱۹۶۰)

در ابتدای قرن ۲۰ مفکوره جدیدی تحت عنوان مفکوره ارتقای صحت بوجود آمد ویکبار دیگر به اثبات رسید ، که صحت عامه مردمان شهری را به صفت یك فرد فراموش کرده بود درحالیکه دولت مسئولیت صحی هر شخص را به عهده دارد در نتیجه بر علاوه کنترول فعالیت های امراض یك هدف دیگری به صحت عامه علاوه شد

که آن عبارت است از ارتقاي صحت اشخاص که در ابتدا به شکل خدمت صحی افراد به ظهور رسید که خدمات صحی مادر وطفل ، خدمات صحی مکتب ، خدمات صحی صنعتی ، خدمات صحی احیاي مجدد روحی ، خدمات صحی عامه نرسنگ یکی از اهداف عمده این مرحله است ، شعبات صحت عامه پروگرام هاي خود را بطرف نعالیت هاي تامین ارتقائی صحت توسعه دادند C.E.A Winslow ، یکی از ارقام صحت عامه را رهنمائی میکند. درسال ۱۹۲۰ صحت عامه چنین تعریف شد (صحت عامه عبارت است از علم و هنر وقایه امراض که زندگی را طولانی نموده و صحت را بهبود میبخشد . و قابلیت موثریت صحت را در جامعه اي که سازمان دهی شده باشد بیشتر میسازد) .

این تعریف خلاصه از فلسفه صحت عامه میباشد که تا امروز به همین تعریف باقی مانده است .

از انجائیکه دولت مسئولیت صحی افراد را به عهده دارد لهذا دو حرکت عمده براي توسعه صحت انسان درپنجاه سال اول قرن حاضر بوجود آمد.

۱ـ بوجود آمدن خدمات صحی اساسی : خدمات صحی اساسی توسط مراکز صحی متوسط و مراکز صحی ابتدائی و مراکز صحی فرعی شهري و دهاتی به پیش برده میشود . ارتقاي مراکز صحی انکشاف عمده در تاریخ صحت عامه است ومفکوره مرکز صحی اولین باردر سال۱۹۲۰ توسط Lard Dason در انگلستان بوجردآمد، درسال

ارتقا و بهبود حفظ الصحه محیطی:

یکی از مسایل عمده تاریخی در ارتقا طبابت عبارت از بهبود حفظ الصحه میباشد که در انگلستان در اواسط قرن ۱۹ صورت گرفت و به تدریج به سایر کشور ها انتشار یافت ، ناگفته نماند که این به ذات خود یك تصادف نیك بود که مردم را به طرف عصر صحت عامه رهنمائی نمود .

انقلاب صنعتی قرن ۱۸ مشکلات زیادي را بوجود آورد ، فضاي آلوده و تاثیرات ناگوار، تجمع فضله جات در قرا و شهرها، مریضی هاي مهم و وفیات پی هم مخصوصاً در اطفال و خانمها ، امراض انتانی مانند توبرکلوز، مسایل اجتماعی و صنعتی همه و همه سبب خرابی صحت در پائین ترین درجات آن گردیده بود ، چنانچه در لندن حداوسط عمر اشخاص مسلکی در حدود ٤٤ سال و از کارگران به ۲۲ سال میرسید ، درسال ۱۸٤۲ از اثر بوجود آمدن اپیدیمی مرض کولرا مردم دچار تکالیف زیادي گردیدند .

اپیدیمی بزرگ کولرا در سال ۱۸۲۲ Adwin Chudwick را که قانون دان ماهری در انگلستان بود متوجه ساخت تا در قسمت صحت ساکنین قریه جات بزرگ تحقیقات بیشتري بعمل آرد ، تا زندگی مردم را از حالت خرابی که داشتند بهتر سازد .

راپور Chudwick در انگلستان تحت عنوان (وضع حفظ الصحه

باردر سال۱۹۲۰ توسط Lard Dason در انگلستان بوجودآمد، درسال ۱۹۲۱ یك گروپ از اعضاي سازمان صحی جهان جهت تاسیس مراکز صحی اقدام نمودند ، ضمناً کمیته Bhore در سال ۱۹٤٦ در هندوستان نیز تاسیس مراکز صحی را جهت تدابیر خدمات معالجوي ووقایوي پیشنهاد نمود، بسیاري از کشور هاي انکشاف یافته برتري هاي براي تاسیس مراکز صحی جهت خدمات صحی اساسی خویش حاصل نمودند.

۲ـ ارتقای پروگرام انکشاف محل تا قریه : این ارتقا در اثر اشتراك فعال و ابتکار تمام جامعه بوجود میاید و این پروگرام کوشید تا کار هاي بیشتري را هر چه زودتر با داشتن مخازن غیر کافی به پیش ببرد ولی متاسفانه با وصف دریافت مراکز کوچك و ساختمان هاي خدمات صحی ضروري خصوصا ساحه هاي دهات بازهم این مرحله ادامه یافته نتوانست .

ج : مرحله اجتماعی انجینیري (۱۹٦۰ ـ ۱۹۸۰)

باپیشرفت طب اجتماعی و عمل کرد صحت عامه وضعیت مرض در ممالك پیشرفته تغییر کرد و بسیاري از امراض حاد تحت کنترول درآمد ، اگر چه مشکلات گذشته حل شد ، اما مشکلات جدید صحی با اشکال امراض مزمن به ظهور رسید مثلاً سرطان ، مرض شکر ، امراض قلبی وعائی ، الکولزم و اعتیاد به ادویه مخدره ، خصوصاً در جامعه این عصر مشکلات نمیتواند بواسطه رسیدگی به

روایات بررسی شود مثلاً در صحت عامه مثل تجرید معافیت و ضد عفونی نمودن که اینها به اساس نظریه تیوري مکروبی مرض تشریح شده نمیتواند ، متعاقباً مفکوره جدي تحت عنوان منکوره (عوامل خطر) که مشخص کنندگان این امراض میباشد بوجود آمد نتایج این امراض برخلاف مرگ هاي آنی که بواسطه امراض انتانی بوجود می آید بار بزرگی بود بالاي شانه هاي جامعه واین مسایل مبارزه جدیدي را در صحت عامه بوجود آورد که ضرورت هر چه بیشتر بطرف اهداف اجتماعی احساس میشد ، صحت عامه به یك مرحله جدید در ۱۹۶۰ داخل شد که این مرحله بنام مرحله (اجتماعی انجینري) یاد میشود مناظر اجتماعی وسلوکی امراض وصحت پیشرفت جدیدي را حاصل نمود ، صحت عامه به طرف مرحله وقایوي واحیاي دوباره امراض مزمن و سلوکی حرکت کرده در ین مرحله اهداف صحت عامه وطب وقایوي که به اوج خود رسیده بود باهم مساوي گردیده که بنام وقایه مرض ، ارتقاي صحت و دوام دار ساختن حیات یادشد خلاصه گرچه اصطلاح اصطلاحات صحت عامه هنوز هم استعمال میشود اما معناي اعضاي ابتدائی آن تغییر خورده و با در نظرداشت این تغییرات ، دورنماي اصطلاح صحت جامعه توسط بعضی رهبران صحی در صحت عامه ترجیح داده شد و صحت اجتماعی خدمات زیادي را به نفوس از نگاه طب وقایوي و جامعوي انجام داده است .

مساوي مواظبت صحی را داشته باشند تا از امراض کشنده طفولیت محفوظ مانده و مواظبت صحی براي مادران و اطفال برآورده شده و در پهلوي آن تداوي امراض علاج ناپذیر را تحت کنترول در آرند .

درسال ۱۹۸۱ بالاخره اعضاي سازمان صحی جهان (WHO) خود را بیك هدف که صحت براي همه تا سال ۲۰۰۰ میباشد عیار نمود که نائل شدن به این سویه صحت ، همه مردم را بطرف یك حیات آرام و مرفه (اجتماعی و اقتصادي) رهنمائی خواهد کرد ، فعلاً صحت عامه با سایر علوم طب و دیگر سکتورهاي نزدیك به صحت به همکاري هم در یك ساحه وسیع و پر از جدیت دست به دست هم داده اندتا به این مرام مقدس شان (صحت براي همه) نائل آیند .

تعلیمات صحی

ازآنجائیکه تعلیمات صحی وسیله ضروریی براي هر جامعه میباشد و شعبات صحت جامعه یك جنبه تعلیمی صحی داشته که مربوط به تعلیمات صحی میشود پس هر تعلیم دهنده صحت جامعه تعلیم دهنده صحی میباشد .

سازمان صحی جهان(WHO) صحت را چنین تعریف نموده است.

صحت عبارت از بهبود کامل حالت جسمی ، روانی واجتماعی بوده و صرف این نیست که یك شخص مریض یا ناتوان نباشد.

صحت عبارت از بهبود

کامل حالت جسمی

روانی و اجتماعی میباشد

تنها فقدان مرض صحت

نیست

از انتشارات : ریاست انستیتوت صحت عامه

کارگران) که تاریخچه خوبی در صحت عامه میباشد ، وضع صحی لندن و سایر شهر هاي بزرگ را بهبود بخشید .

این راپور توجه مردم و حکومت وقت را بدان معطوف ساخت تا صحت عامه ارتقا یابد ، مواد فضله که داراي مکروبهاي زیادي میباشد و دشمن بزرگ انسان است شناخته شد که از آن به بعد مبارزه علیه مواد ملوث وکثافات و (جابجا نمودن بهتر آن) آغاز یافت که این خود بخود بزرگترین بیداري حفظ الصحه میباشد .

همچنان راپور متذکره سبب عملکرد صحت عامه در سال ۱۸٤۸ در انگلستان گردیده و منکوره جدیدي را بوجود آورد و آن اینکه دولت مسئولیت مستقیم در ارتباط با صحت به مردمش دارد .

آغاز صحت عامه

وقایع فوق سبب بوجود آمدن صحت عامه درسال ۱۸٤۰ در انگلستان گردید .

در سال هاي ۱۸۲۱ـ ۱۷٤٥ که صحت عامه بشکل یك قانون صحی توسط Johanna Peter Frank که فیلسوف صحت زمانش بود اعلام کردید و گفت : (دولت مسئول صحت مردمش میباشد)، در سال ۱۸٤۸ انجام کار صحت عامه به ارتباط مسئولیت صحت مردم رویائی او بود .

کولرا که بنام پدر صحت عامه یاد میشود درقرن ۱۹ مجدداً در

دنیاي غرب دیده شد.

Johnsnow اپیدیمولوجست انگلیسی مرض کولرا را در لندن بین سالهاي ۱۸۵۰_۱۸٤۸ مطالعه نمود و آب ملوث شده آشامیدنی را در انتشار کولرا بیان نمود.

درسال ۱۸۵٦ Wolliam Budd با مشاهدات دقیق خویش شیوع تب محرقه را در مناطق روستائی شمال انگلستان شرح نمود و به این نتیجه رسید که انتشار این مرض بواسطه آب آشامیدنی صورت میگیرد و نه بواسطه بخار بد بو و یا گاز گنده ، و این دو کشفیات خیلی قابل ملاحظه بود ، وقتیکه کسی غور کند درین مسئله که عاملین امراض کولرا و محرقه هنوز هم شناخته نه شده بود ، بعداً تقاضاي مردم درباره آب پاك زیاد شد ، درآن زمان دریاي تایمز منبع آب آشامیدنی و مخزن کثافات بود ، یك قانون قابل ملاحظه در انگلستان بوجود آمد ، صحت عامه بصورت عملی در سال ۱۸۷۵ در باره کنترول محیط فزیکی مردم بود ، گرچه مشعل صحت بواسطه Chade Wick روشن گردید ،لیکن شخصیکه نسبت به دیگران درباره اصلاحات صحی بیشتر احساس مسئولیت میکرد Sir John Simon (۱۹۰٤_ ۱۸۱٦) میباشد وي اولین افسر صحی در لندن بود که سیستم صحت عامه را در انگلستان تهداب گذاشت که سبب پسند و سر مشق تمام جهان گردید.

اینمرحله صحت عامه که در بین سال هاي ۱۹۲۰-۱۸۸۰وجود

داشت بنام مرحله کنترول مرض مسمی گردید ، مساعی بیشتري درباره پاکی وصفائی صورت گرفت ، کثافت دانی هاي بزرگ (گار بج) ساخته شد و مردم در جهت جابجا کردن کثافات درکثافت دانی هاي متذکره توجه بیشتر به خرچ دادند ، سیستم قرنطین بوجود آمد که از سرایت مرض جلوگیري گردد ، نهضت انکشاف صحت عامه در امریکا با انگلستان تقریبا یکنو اخت پیش می رفت در سال ۱۸۵۰ Lemuel Shattuck (۱۷۹۲ ـ ۱۸۵۹) که یك کتاب فروش و ناشر بود راپور واقعات صحی خود را در Massachusetts نشر نمود که این راپور هم مانند راپور Chad Wick روحیه مردم امریکا را به توسعه صحت عامه تحریك نمود ، فرانسه ، اسپانیا، استرلیا، جرمنی ، ایتالیا، بلجیم و ممالك سکاندناویانی هم صحت عامه خود را توسعه دادند، در آغاز قرن بیستم تهداب هاي وسیع صحت عامه ، آب پاك ، محیط زیست پاك ، خانه هاي خوب ، کنترول تجارت هاي رنج آور وغیرد در تمام ممالك غربی گذاشته شد ، بعد از جنگ جهانی اول سه کشور یوگوسلاویا، ترکیه وروسیه بشکل اعضاي جدید الشمول به صحت عامه پاگذاشتند ، این سه مملکت درسال ۱۹۲۰ تصویروصفی دنیاي انکشاف نیافته را به معرض نمایش گذاشتند، و امروز آنها در صحت عامه به پیشرفتهاي مزیدي نایل آمده اند ، وقتیکه صحت عامه در دنیاي غرب با قدم هاي سریع پیش میرنت ، پیشرنت آن در ممالك در حال رشد، مثل هندوستان جائیکه مسائل عمده صحت حالا ادامه

دارد بسیار کند بود در حالیکه این حالت در کشور هاي غربی ۱۰۰ سال پیش موجود بود ، تاسیس سازمان صحی جهان (WHO) یك تحول بزرگ را به نهضت صحت عامه همین ممالك بوجود آورد .

نظریه مکروبی مرض

انسان مدت زمان طولانی در تاریکی زندگی مینمود و سبب مرض را نمی دانست ، نظریات متعددی پیشنهاد شده بود تا اسباب مرض را واضح سازد ، نظریه خلطی یونانی ها و هندوستانی ها ، نظریه سرایت ، نظریه بخار بدبوي که مرض را به هوائی مضرو بخارات نسبت میدهد ، نظریه تکثر خود بخودي وغیره در سال ۱۸۶۰ بوجود آمد ، ولی یك مکروب شناس فرانسوي بنـــــــام Louis Pasteur (۱۸۹۵ـ ۱۸۲۲) موجودیت مکروب را در هوا ثابت نمودوبه این صورت تکثر خود بخودي را رد نموده و درسال ۱۸۷۲ـ پیشنهاد نظریه مکروبی مرض را اعلان کرد که همین عصربه نام عصر مکروب شناسي یاد میشود در ســـــــال ۱۸۷۷ـ Robert Koch (۱۹۱۰ـ ۱۸۴۳) بیان نمود که مرض Antharax بواسطه یك مکروب بوجود میآید ، اکتشافات L. Pasteur و R. Koch نظریه مکروبی مرض را تائید نمود ، که این زمان را نیز میتوان عصرطلائی مکروب شناسي خواند ، مکروبها یکی بعد از دیگر به فواصل نزدیك کشف میگردید. که میتوان از مکروبهاي چون Gonococcus

درسال۱۸٤۷ Bacillus Typhoid و Pneumococcus در سال ۱۸۸۰ TubercleBacillus در سال ۱۸۸۲، کولرا Vibriocholera در سال ۱۸۸۲ Diphteria Bacillus در سال ۱۸۸٤ و غیره نام برد که کشف این مکروبها و انتقال آنها از یك شخص به شخص دیگر در طول یك قرن تغییراتی را در جهت سبب مرض در افکار مردم بوجود آورد و توجه مردم را بالاي مکروب و رول آنها در مورد مولدالمرض آن متمرکز ساخت ، نظریه مکروبی مرض مطرح و تاجائی پیش رفت و جانشین نظریات سابقه در باره اسباب مرض گردید .

بوجود آمدن طب وقایوي

طب وقایوي بعد از قرن ۱۸ آغاز گردید وبه شکل یك شاخه واضح طبابت صحت عامه توسعه نمود ، قبل از آنکه اسباب مرض شناخته شود طب وقایوي بوجود آمد James Lind (۱۷۱٦ _۱۷۹٤) که یك جراح بحري بود ، حمایت خود را در خوردن میوه تازه و سبزیجات براي جلوگیري از مرض Scurvy در سال ۱۷۵۲ اعلان کرد.

Edward Jenner انگلیسی (۱۷٤۹ _۱۸۲۳) شاگرد John Hunter ، واکسین چیچك را در سال ۱۷۹٦ کشف کرد این دو اختراع را میتوان آغاز عصر جدید در طبابت خواند یعنی عصر جلوگیري از

مرض بواسطه تدابیر عملی طب وقایوي بعد از کشف اسباب و عوامل مرض و تاسیس نظریه مکروبی مرض یك تهداب یا اساس مستحکم را بخود گرفت ، در اواخر قرن ۱۹ انکشافات زیادي درساحه طب وقایوي مثل کشف تداوي مرض سگ دیوانه در ۱۸۸۲ واکسین کولرا درسال ۱۸۹۲ ، انتی توکسین دیفتري درسال ۱۸۹٤ ، واکسین ضد محرقه در سال ۱۸۹۸ ، انتی سپتیك ها و Disinfectants (۱۹۱۲- ۱۸۲۷) و غیره نشانداده شد . یك پیشرفت دیگر درین ساحه توضیح روش هاي انتقال مرض بود مثلاً درسال ۱۸۹٦ یك جراح اردوي برتانیه بنام Bruce ثابت نمود که مرض خواب افریقائی بواسطه مگس Tse-Tse انتقال میابد ، درسال ۱۸۹۸ Ross ثابت نمود که ملاریا بواسطه پشه انافیل انتقال میابد. درسال ۱۹۵۵ ، Walter Read وهمقطارانش ثابت نمودند که تب زرد بواسطه پشه Aedes سرایت مینماید ، با علمیکه از مکروب شناسی مشتق گردید، میتوان انتقال امراض را بواسطه تدابیر مخصوص چون مسدود نمودن چینل ها یا راه هاي انتقال آن ، کنترول کرد ، مثلا قرنطین ، تصفیه آب ، پاستو ریزیشن شیر، محافظه مواد غذائی و جابجا نمودن درست فضله جات و کثافات ، از بین بردن حشرات وضد عفونی کردن انکشافات میتود هاي لابراتواري براي کشف مکروب در جهت تشخیص ابتدائی و بهتر مرض یك روش و پیشرفت دیگري بود ، درسال هاي نخست ، طب وقایوي معادل با کنترول امراض انتانی به

پیش میرفت چنانچه تا آن هنگام ، مفاهم جدید ابتدائی ، ثانیوي و ثالثه وقایه فهمیده نشده بود .

طب عصری

تقسیم طبابت به دو بخش بزرگ طب معالجوي و صحت عامه طب وقایوي تقریباً در قران ۱۹ به ظهور رسید و بعد از سال ۱۹۰۰، طبابت به پشیرفت هاي نائل گردیده و شکل تخصصی را بخودگرفته ، در ساحات علمی تشخیص امراض به پیشرفت هاي قابل ملاحظه ارتقا نمود و شکل مرض تغییر کرد ، با کنترول امراض انتانی حاد ، امراض جدید مثل سرطان ، مرض شکر ، مرض قلبی وعائی امراض عقلی و تصادمات بوجود آمد و این امراض تبارز کردند و سبب عمده مرگ و میردر کشور هاي صنعتی شدند ، این امراض به اساس نظریه مکروبی مرض ، و یاسحر و جادو تداوي شده نمیتواند ، حقایق اسباب و عوامل دیگر هم موجود است که سبب مرض میشود ، یعنی مسائل اجتماعی اقتصادي ، ارثی ، محیطی و فزیکی و عوامل روحی که مساویا اهمیت دارد بسیاری از این عوامل مربوط به ترتیب زند گی و سلوك شخص میباشد و جاي نظریه مکروبی مرض را مفهوم جدیدتر مرض (اسباب کثیر العوامل) پر نمود Petternkofer of Munich در سال (۱۹۰۱ـ۱۸۱۹) مفهوم اسباب کثیرالعوامل را مورد بحث قرار داد ، لیکن مفکوره هاي او در عصر مکروب شناسی از بین

رفته بود ، مفهوم سبب کثیرالعوامل بواسطه اپیدیمولوجست ها احیاشد که انها بطور قابل ملاحظه به فهم درباره اسباب کثیرالعوامل مرض و عوامل خطرناك همراه ما کومك نمود ، پیشرفت درساحه طب عصري مواد ذیل را مورد بررسی قرار میدهد .

طب معالجوي

گرچه طب معالجوي از ۱۰۰۰ سال به اینطرف رایج است اما ، طبابت عصري را که ما میشناسیم به ۱۰۰ سال هم نمیرسد ، به هر حال نخستین هدف طب مهالجوي عقیم ساختن و از بین بردن مرض در جامعه میباشد (نه یك گروه) البته راه هاي مختلفی جهت بدست آوردن این اهداف وجود دارد مثلاً تخنیك هاي تشخیصی و تداوي.

در طول سالها وسائل تشخیصیه مشخص و متعدد شده و تجهیزات مخصوص جهت تداوي بشکل بهتر آن بوجود آمد.

دراوسط قرن ۲۰ انقلاب عمیقی در طب الوپتیك بوجود آمد که چنین تعریف شده است .(تداوي مرض بواسطه استعمال دوائیکه عکس العمل نشان داده مرض را خنثی میکند و یا از بین میبرد) با به وجود آمدن انتی بکتریال ها و انتی بیوتیك باید گفت که طب معالجوي طی سالهاي متمادي به پیشرفتهاي مزیدي نایل شده و دانش علمی را توسعه بخشید ، مهارت هاي تخنیکی ، ادویه جات

دولت اسلامی افغانســـتان

وزارت صحـــت عامــــه

ریاست انستیتوت صحت عامه

صحـــت عامـــه

Public Health

فبروری ۱۹۹۲